



نقد رژیم جبران خسارات «حبس و بازداشت ناروا» در سیاست جنایی تقنینی ایران

مهدی خاقانی اصفهانی^۱*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲

چکیده

جبران خسارت از بازداشت‌شدگان و حبس‌شدگان بی‌گناه، تأسیس حقوقی نسبتاً نوپدید است. جبران خسارت زیان‌دیده از سوی دولت در پی اشتباهات قضایی، تحولی در تکریم حقوق بشر در فرایند کیفری است، که متأثر از تحولات دانش کیفرشناختی و جرم‌شناسی انتقادی و علوم مرتبط است. در مواد ۲۵۵ تا ۲۵۸ و ۵۱۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۱۶۳ و ۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بستر قانونی جبران خسارات وارده بر محکوم‌علیه بی‌گناه فراهم شد. مصادیق تعیین‌شده در قانون جنبه حصری دارند و نمی‌توان با توسعه موضوع و قیاس به موارد مشابه، دامنه جبران خسارات این قبیل افراد را توسعه داد؛ هرچند ذینفع و متضرر حق مطالبه خسارات وارده را از باب استناد به اصول و قواعد دیگر از قبیل لاضرر و نفی حرج خواهد داشت. لذا، اصول حقوق بشر و قواعد فقهی، اهم مبانی خسارت‌زدایی از متهمان و محکومان بی‌گناه است. این مقاله، پس از نقد مواد قانونی مربوط به جبران خسارات بازداشت ناروا از منظر سیاست جنایی تقنینی ایران در پرتو مبانی فقهی و اسناد بین‌المللی، توضیح می‌دهد که کمیسیون‌های ملی و استانی جبران خسارت قضایی، به رغم همسویی با اندیشه ضمان حاکم اسلامی و عدالت ترمیمی، به دلیل تداوم غلبه سزاگرایی بر خرده‌گفتمان قضایی - با وجود گفتمان اصلی بازپرورانه و ترمیمی - و به جهت عیوب قانونی و ساختاری نتوانسته‌اند آموزه‌ی جبران خسارات بازداشت ناروا را به دستاورد عینی قوه قضائیه مبدل سازند. در پایان، پیشنهاد شده اطلاق و ابهام بند «پ» ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک مقید گردد تا گریزگاه عدم جبران خسارات قرار نگیرد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی قضایی، دادرسی عادلانه، جبران خسارات قضایی، حبس و بازداشت ناروا.

^۱ استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»، تهران، ایران. (نویسنده مسئول):

مقدمه

گاهی مقام قضایی با صدور قرار بازداشت در عمل موجب زندانی شدن متهم در تمام یا بخشی از مدت تحقیقات مقدماتی می‌شود. این امر (بازداشت) که اقدام بسیار شدید علیه آزادی فردی است مخالف با فرض برائت نیز هست؛ زیرا قبل از تعیین کیفر توسط یک دادگاه صالح، متهم در حال تحمل مجازات است و از سوی دیگر قرار بازداشت آثار سویی بر اجرای دادگری خواهد گذاشت؛ به گونه‌ای که دادرسان کمتر رغبت به صدور رای برائت شخصی که مدتی را در بازداشت گذرانده نشان می‌دهند (طه و اشرافی، ۱۳۸۶: ۱۲۲) و برای عدم تکذیب بازپرس، تمایل به انتخاب کیفری دارند که دست کم مدت آن با مدت بازداشت موقت مساوی بوده و در صورت طولانی بودن آن، به سادگی از تعلیق اجرای کیفر و جایگزین‌های حبس استفاده نمی‌کنند.

با توجه به زیان‌های بسیاری که بازداشت موقت دارد، امروزه گرایش به محدود کردن هر چه بیشتر موارد صدور قرار بازداشت موقت در نظام‌های کیفری دیده می‌شود و شرایطی ماهوی و شکلی قابل توجهی برای هنجارمندسازی آن در نظر گرفته شده، تا صدور آن بسیار کاسته شود. در سطح بین‌المللی نیز از بازداشت موقت به عنوان اقدامی بد ولی‌گاه ضروری یاد می‌شود و در عین حال، چنانچه برای فردی قرار بازداشت صادر شد حقوق او تضمین شود تا شخص متهم تنها از آزادی رفت و آمد محروم باشد و به سایر حقوق او لطمه وارد نشود.

این امر اقتضا داشت که موارد صدور قرار بازداشت موقت اجباری موضوع ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (۱۳۷۸) حذف شود و سیستم دادرسی کیفری به سمت استفاده از جایگزین‌های قرار بازداشت موقت سوق یابد؛ به گونه‌ای که استفاده از قرارهای جایگزین موسوم به «کنترل قضایی» به عنوان اصل، سرمشق کار نظام دادرسی کیفری قرار گیرد و قرار بازداشت به تنهایی به عنوان آخرین راه حل و در جاهایی که عمل ارتكابی بسیار شدید است و یا جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم به تنهایی با بازداشت مسلم می‌شود و یا آزادگذاشتن متهم منجر به از بین بردن آثار جرم و تبانی با شهود و مطلعین خواهد شد و یا بازداشت نمودن وی به عنوان یک اقدام تأمینی توجیه‌گر حفظ حیات متهم یا ممانعت از تکرار جرم او باشد، به صدور قرار بازداشت موقت برای مدت معقول و متناسب اقدام نمود (آشوری، ۱۳۹۳: ۴۸۴). این ضرورت، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ جامه عمل پوشید؛ بدین نحو که قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در ماده ۲۳۷ موردی را برای صدور قرار بازداشت موقت اجباری پیش‌بینی نکرده، بلکه صدور آن را در پاره‌ای موارد جایز اعلام نموده است.

از سوی دیگر، با وجود پیش‌بینی همه تمهیدات، بعد از گذشت مدتی از بازداشت شخص، کاشف به عمل می‌آید که متهم یا محکوم علیه بی‌گناه بوده و آزادی وی برخلاف قانون سلب شده و در نتیجه، چنین شخصی مستحق جبران خسارت است. جبران خسارت متهمان و محکومان بی‌گناه چه در قالب جبران خسارت مادی و چه در قالب جبران خسارت معنوی تأسیس قدیمی است که در این میان، جبران خسارت دولت نقش پررنگ و با اهمیتی دارد. (طهماسبی و گلریز، ۱۳۹۱: ۱۶۵)

اهمیت و لزوم جبران خسارت از متهمان و محکومان که بی‌گناهی‌شان پس از زندانی شدن در قالب بازداشت یا کیفر حبس، برای نظام قضایی محرز می‌گردد، امروزه مورد توجه نظام‌های حقوقی پیشرو واقع شده و البته به جهت فقدان استانداردهای جهانی و همچنین تفاوت سیاست کیفری کشورها در پذیرش معیار و دامنه و نحوه جبران خسارت از ایشان، انجام پژوهش‌های تطبیقی در این موضوع کمک شایانی به توسعه و تعدیل قواعد و قوانین کیفری کشورها خواهد نمود. علی‌رغم وجود فرامین کلی در کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص لزوم جبران خسارت آسیب‌دیدگان اشتباهات قضایی و احکام ناروا، باید توجه داشت که وفق اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری دولت‌ها - از جمله قوانین جبران خسارات حبس و بازداشت ناروا، که تصویب آنها گاه در پرتو رویکرد ترمیمی صورت می‌گیرد و یا بر مدار ضوابط کلاسیک مسئولیت قاضی و نظام قضایی در اشتباهات قضایی تحقق می‌یابد - معیار نظام حقوقی هر کشور در جبران خسارات حبس و بازداشت ناروا، همانا قوانین و رویه قضائی آن کشور است.

حقوق نباید با وجود حساسیت شدید اخلاق نسبت به مواردی از قبیل «ضرورت کمک به دیگران در مواقعی که خطری آنها را تهدید می‌کند»، «جلوگیری از اقدام افراد به افعالی که به ضرر خود آنهاست»، «لزوم جلوگیری از افعالی که به طور غیرمستقیم به ضرر دیگران است» و «جلوگیری از افعالی که ماهیتاً غیراخلاقی است»، آنها را صرفاً مربوط به قلمرو اخلاق دانسته و از دخالت مناسب، امتناع ورزد. عدم توجه به این امر موجب می‌گردد که «حقوق از اخلاق فاصله بگیرد و عدالت که جوهره واقعی آن را اخلاق تشکیل می‌دهد به خطر افتد» (مهرپور و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۲۵). دخالت حقوق البته باید به گونه‌ای باشد که مرزهای اخلاق و حقوق را کاملاً به هم نریزد؛ زیرا بدیهی است که اجرای تمام قواعد اخلاقی بپردازد؛ زیرا تفکیک اخلاق در نظام‌های حقوقی دینی چندان ساده نیست و تمیز آن، نیازمند درک روح قانون است. چه، مفهومی که به عنوان روح قانون شناخته می‌شود، عدالت است و این روح رو به اهداف و "مقاصد الشریعه" دارد (صفری و مهرپور، ۱۳۹۷: ۲۱۰) ولی برخلاف نظر برخی دیگر حقوق‌دانان

که «منظور قانونگذار و هدف اجتماعی که او از این کار [وضع قاعده حقوقی] داشته است را روح قانون نامیده‌اند (نک: کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۲۹). گاه روح قانون مفهومی حتی محدودتر از هدف قانون به خود می‌گیرد و گاهی درک عقل از "عدالت زمانه" تبلور روح قانون می‌شود.

۱- مبانی نظری جبران خسارت بابت حبس و بازداشت ناروا، در سیر تاریخ قانونگذاری

در دوران تحت نظر به عنوان یکی از مهم‌ترین تأسیسات قانونی، آزادی متهم به جرم سلب شده و او در مقابل جامعه و نمایندگان آن قرار می‌گیرد. ضرورت ایجاد توازن میان متهم و جامعه تخصیص امتیازاتی را به متهم ایجاب می‌نماید. در قوانین سابق آیین دادرسی کیفری و به ویژه قانون سال ۱۳۷۸ دوران تحت نظر برای انجام تحقیقات مقدماتی نظام‌مند نبود (حیدری، ۱۳۹۵: ۳۰) و حقوق متهم - از جمله حق جبران سارت بازداشت ناروا- در این دوران کمتر مورد توجه قرار گرفته بود و بعضاً مغفول بود. در قانون ۱۳۹۲ در این خصوص تحولاتی ایجاد شده است. ضرورت اعطای حقوق دفاعی به متهم تحت نظر در سایر نظام‌های حقوقی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در حقوق ایران تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در هیچ کدام از مواد قانونی، جبران خسارت ناشی از بازداشت و حبس قانونی و یا حتی بازداشت غیر قانونی منتهی به برائت یا منع تعقیب متهم پیش بینی نگردیده بود. اگرچه طی مواد قانونی پراکنده ای مانند تبصره ۴ ذیل بند «خ» ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۲۹ خرداد ۱۳۳۴ برای متهم حق اعتراض به صدور قرار بازداشت غیرقانونی پیش‌بینی شده بود. بر اساس این ماده: «هر یک از مأمورین دولتی و یا شهرداری و یا کسانی که بر حسب وظیفه متصدی مراقبت در مواد دارویی هستند... در صورتی که ثابت شود اشخاص فوق گزارشی به قصد اضرار بدهند که منتهی به بازداشت اشخاص شود، در صورت برائت متهم و اثبات قصد اضرار علاوه بر جبران خسارت وارده به مدعی خصوصی به مجازات یک تا سه سال حبس تأدیبی محکوم خواهند شد».

قانون اساسی که در اصل ۱۷۳، برای مردم حق شکایت و تظلم نسبت به مأمورین، واحدها و آیین‌نامه‌های دولت و احقاق حقوق آنان در دیوان عدالت اداری را قائل شده است، در خصوص الگوی کلی جبران ضررهای مادی یا معنوی ناشی از تقصیر و اشتباه قاضی در اصل ۱۷۱ حکم کلی وضع نموده ولی جزئیات آن تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ترسیم

نشده بود. البته این قانون در این زمینه، و سازوکارهای اجرای جبران خسارت طی آن، چالش‌های فراوانی دارد.

بنابراین، صرف ضامن بودن شخص، مانع مسئولیت قوه قضائیه در این خصوص نیست. بر این اساس، ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عدم رعایت اصل قانونی بودن مجازات‌ها را که منجر به صدمه و خسارت به اشخاص شود در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد، موجب مسئولیت کیفری و مدنی دانسته است. بنابراین، هرگاه از عملکرد مقامات قضایی و به دنبال تخطی و تجاوز عمدی از وظیفه قانونی آنان، خساراتی به اشخاص وارد آید، موضوع از مصادیق تقصیر محسوب شده و مقصر طبق موازین شرعی و قانونی ضامن است (گلدزیان، ۱۳۹۳: ۱۰۳). البته همان گونه که خواهیم دید، هرگاه این خسارات مستند به عمل آنان نباشد یا ناشی از اشتباه برآورد شود، مسئولیتی متوجه آنان نیست و جبران خسارت بر عهده دولت خواهد بود.

یکی از اسباب معافیت، که امروزه در نظامات حقوقی و در قوانین مدون اعم از قانون اساسی و عادی کشور ما پذیرفته شده است، اصل مصونیت شغلی قاضی و محفوظ بودن او از تعقیب کیفری است. به موجب این اصل قضات را بدون اجازه دادگاه عالی انتظامی قضات و قبل از سلب مصونیت قضایی نمی‌توان مورد تعقیب کیفری قرار داد (حبیبی و صالحی‌فر، ۱۳۹۲: ۷۱). ولی باید دانست که محفوظ بودن قضات از تعقیب در امور کیفری شامل جرائم کم اهمیت و خلافی نخواهد شد. به همین جهت تدوین کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل استقلال قاضی و مصونیت شغلی کارمندان قضایی را در اصل ۱۶۴ قانون اساسی پیش‌بینی کرده‌اند.

به علاوه، به موجب ماده ۴۲ قانون تشکیلات عدلیه چنانچه دلایلی کشف می‌شد که کارمند قضایی مرتکب جنحه یا جنایتی شده، او نه تنها قابل توقیف نبود بلکه حتی بازجویی هم از او ناممکن بود، مگر این که دلایل و مدارک جرم به دادسرای انتظامی قضات تعلیق قاضی را از شغل خود تا صدور مراجع کیفری از دادگاه عالی انتظامی درخواست می‌نمود. در زمان حکومت قانون مذکور، دادگاه چنانچه دلایل مبنی بر توجه اتهام به قاضی را احراز می‌کرد، قرار تعلیق او را از شغل قضایی صادر و به مرجع کیفری ارسال می‌داشت و چنانچه قاضی از اتهام منتسبه برائت حاصل می‌نمود، ایام تعلیق جزء مدت خدمت او محسوب می‌شد. در ارتباط با مسئولیت مدنی قاضی ناشی از تقصیر یا اشتباه که قانوناً مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است اصولاً مرجع تشخیص تخلفات شغلی قاضی دادسرا و دادگاه انتظامی قضات است.

بنابراین، در مورد ضامن ناشی از تقصیر یا اشتباه او در تشخیص موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، به نظر می‌رسد در این خصوص نیز قبلاً باید مراتب تقصیر یا اشتباه مقصر را به این مرجع منعکس کرد تا پس از رسیدگی، چنانچه دلایلی مبنی بر تقصیر یا اشتباه در محدوده حکم ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) اثبات شد حکم به جبران ضرر و زیان مادی بر طبق موازین قانونی نمود؛ اما در این مورد ظاهراً صدور قرار تعلیق قاضی تا صدور رأی نهایی به‌وسیله دادگاه انتظامی قضات ضرورت ندارد.

در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ طبق مواد ۱۳۸، ۱۷۱، ۱۷۲ و بند ۲ تبصره ذیل ۳۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری و پاره‌ای مواد قانونی دیگر برای متهم حق اعتراض نسبت به بازداشت خود قائل شده بود، این هم درست است که بر اساس ماده ۱۲۴ و تبصره ذیل ماده ۱۳۰ همان قانون و مواد ۵۷۰، ۵۷۵ و ۵۸۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ قضات یا مقامات ذی‌صلاح دیگری که به نحوی در بازداشت افراد، مرتکب تخلف و قصور شوند مستوجب تعقیب و کیفر شناخته شده بودند (خالقی، ۱۳۸۶: ۷۷) اما هیچکدام از این مواد قانونی مبین اعاده حیثیت و حق جبران خسارت متهم نبوده است (فتحی، ۱۳۹۳: ۲۱۹). خوشبختانه این مهم مورد توجه قانونگذار قرار گرفت و در تغییرات و اصلاحاتی که در قانون مجازات اسلامی به عمل آمد مقنن طی ماده ۵۸ قانون مذکور، همان حکم اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی را با اندک تفاوتی تکرار و با اتکاء به اصل قانونی مزبور مقرر نمود.

با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۳ به این نیاز مهم پاسخ داده شد. در حال حاضر، قانون آیین دادرسی کیفری مقررات مناسبی در زمینه جبران خسارات بازداشت‌شدگان غیرقانونی است. در ماده ۲۵۵ این قانون، بحث ضرر و زیان‌های مربوط به متهم مورد توجه قرار گرفته است و مقرر داشته اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی بازداشت می‌شوند و برای آنها حکم برائت یا منع تعقیب صادر شود می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ قانون فوق خسارت مادی و معنوی ایام بازداشت را از دولت بخواهند، در این زمینه کمیسیون‌هایی در استان‌ها به ریاست رئیس کل دادگستری تشکیل و به این موضوع رسیدگی می‌شود.

جبران خسارت ایام بازداشت از طریق (کمیسیون استانی و ملی جبران خسارت) در مواد ۲۵۵ تا ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری جدید پیش‌بینی شده است اما ایجاد امکان جبران خسارت ایام بازداشت در دو صورت امکان‌پذیر است؛ یکی در صورت صدور حکم برائت و دیگری با قرار منع تعقیب متهم. در همین ارتباط شخص بازداشت شده باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی‌گناهی خود درخواست جبران خسارت را به کمیسیون استانی متشکل از سه نفر

از قضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رئیس قوه قضائیه تقدیم کند. کمیسیون در صورت احراز شرایط مقرر در این قانون حکم به پرداخت خسارت صادر می‌کند، در صورت رد درخواست این شخص می‌تواند ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ اعتراض خود را به کمیسیون موضوع ماده (۲۵۸) این قانون اعلام کند.

طبق ماده ۲۵۹ قانون مذکور جبران خسارت موضوع ماده (۲۵۵) این قانون بر عهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه کند (فتحی، ۱۳۹۲: ۱۹۸). مسئولیت مزبور به ترتیب دیگری نیز در قانون مسئولیت مدنی نسبت به دادگاه و قاضی صادرکننده رأی مستوجب خسارت مقرر شده است، ضمناً در جهت توضیحات کافی این موضوع در ماده ۲۵۶ قانون فوق آورده شده است که از اشخاص بازداشت شده زیر جبران خسارت نخواهد شد: «الف- بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد (خودداری تعمداً باشد نه عجز از ارائه مدارک). ب- به‌منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد. پ- به هر جهتی به‌ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد. ت- همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد.»

لازم است برای تسهیل و تسریع در روند رسیدگی و احقاق حق از محکومان بی‌گناه، تدابیر مناسبی اندیشیده شود و اصلاح ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات، مصوب ۱۳۹۰، در دستور کار مقنن قرار گیرد (یوسفیان شوره‌دلی و رسولی آستانی، ۱۳۹۲: ۲۴۶). چنین اصلاحی موجب افزایش کیفیت عملکرد قوه قضائیه از حیث شاخص احساس عدالت کیفری می‌گردد.

۲- جبران خسارت از بازداشت‌شدگان غیرقانونی در اسناد بین‌المللی

«گنجاندن کرامت انسانی در عداد مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند متأثر از مباحث بین‌المللی در زمینه حقوق بشر و به‌رسمیت‌شناختن کرامت یا شأن و منزلت انسانی برای انسان صرف‌نظر از هر نوع تعلقانی با عنوان Human Dignity در منشور ملل متحد، و اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگر اسناد بین‌المللی نباشد و توجه به این معنی در مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی و اظهارات برخی از نمایندگان مشهود است» (مهرپور، ۱۳۸۵: ۲۹). جبران خسارت از بازداشت‌شدگان غیر قانونی در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای نیز مورد تأکید است. برای نمونه، بند

۵ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰ رم مقرر داشته: «هرکس که قربانی دستگیری یا بازداشت، بر خلاف مفاد این ماده شده باشد حق درخواست جبران خسارت را خواهد داشت».

در این راستا، ماده ۱-۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مصوب ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶ که دولت ایران به تاریخ ۱۳۵۴/۰۲/۱۷ به این میثاق ملحق شده است، در این باره مقرر داشته: «هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد، هیچکس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد، از هیچکس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون». همچنین طبق ماده «۲-۹» هر کس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیرشدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اخطاریه‌ای دائر به هر گونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود دریافت دارد؛ همچنان که برابر ماده «۳-۹» نیز هرکس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت (زندانی) می‌شود باید او را به اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقوله دادرسی یا آزاد شود. بازداشت (زندانی نمودن) اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد اما آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تصمیماتی بشود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضایی و حسب مورد برای اجرای حکم تأمین نماید. وانگهی برابر ماده ۴-۹ میثاق بین‌المللی مذکور، هر کس که بر اثر دستگیری یا بازداشت شدن (زندانی) از آزادی محروم می‌شود حق دارد به دادگاه تظلم نماید؛ به این منظور که دادگاه بدون تأخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار رأی کند و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت، حکم آزادی او را صادر کند. ماده «۵-۹» مذکور نیز مقرر داشته هر کس که به‌طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت (زندانی) شده باشد حق جبران خسارت خواهد داشت. ماده ۱-۱۰: درباره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص رفتار کرد. ۲-۱۰ - الف: متهمین جز در موارد استثنایی از محکومین جدا نگهداری خواهند شد و تابع نظام جداگانه‌ای متناسب با وضع اشخاص غیر محکوم خواهند بود. ۲-۱۰ - ب: صغار متهم باید از بزرگسالان جدا بوده و باید در اسرع اوقات ممکن در مورد آنان اتخاذ تصمیم بشود. ۳-۱۰: نظام زندان‌ها باید متضمن رفتاری با محکومین باشد که هدف اساسی آن اصلاح و اعاده حیثیت اجتماعی زندانیان باشد. صغار بزهکار باید از بزرگسالان جدا بوده و تابع نظامی متناسب با سن و وضع قانونی‌شان باشند.

در همین راستا، ماده ۶۰ از قانون موافقتنامه همکاری بین ایران و سوریه مصوب ۱۳۸۱ نیز مقرر می‌دارد: «مدت زمان بازداشت موقت (توقیف) شخص مستردشده، از هر نوع مجازاتی که در

کشور تقاضاکننده به آن محکوم شود کسر می‌گردد». همچنین گزارشگر نهمین کنفرانس بین‌المللی حقوق تطبیقی در این باره در گزارش خود به این موضوع اشاره نموده است اما مشکل در مورد جبران خسارت ناشی از بازداشت یا حبسی است که کاملاً طبق قانون و با رعایت تشریفات و ترتیبات قانونی صورت گرفته اما متهم تبرئه شده است. این امر نیز در حال حاضر مورد بررسی دست‌اندرکاران علوم جزائی است که درصدد یافتن توجیهی منطقی برای جبران خسارت چنین بازداشت‌هایی هستند. (نیازپور، ۱۳۸۹: ۲۲۹)

فی‌الجمله حق متهم به جبران خسارت و اصل انصاف، مبنای لزوم این جبران قلمداد گردیده و تصریح شده است: «اصل تساوی شهروندان در مقابل تکالیف عمومی ایجاب می‌کند خسارتی که بر اثر تصمیم قدرت عمومی استثنائاً بر یکی از افراد وارد گردیده جبران شود». این نظریه در بعضی کشورها پذیرفته شده، که از آن جمله می‌توان فرانسه، آلمان و لوکزامبورگ را نام برد. در حقوق فرانسه صدور قرار منع تعقیب و براءت (اعم از براءت صادره از دادگاه جنایی و یا دادگاه جنحه و خلاف)، در زمره موارد قابلیت امکان جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی است. با این حال، موارد صدور قرار منع تعقیب در دو نظام متفاوت از یکدیگر است (مقدسی و قلی‌زاده، ۱۳۹۶: ۸۱)؛ به گونه‌ای که در حقوق فرانسه به واسطه گسترده‌تر بودن مصادیق صدور این قرار نسبت به حقوق ایران، امکان جبران خسارت ناشی از بازداشت غیر قانونی بیشتر است. برای نمونه، به موجب مواد ۳۶ و ۳۷ قانون پلیس و دلایل کیفری ۱۹۸۹ انگلستان، نظارت بر مدت تحت نظر و حقوق متهم تحت نظر قرار گرفته، توسط یک افسر بازداشت بی‌طرف صورت می‌پذیرد و یا در راستای حفظ حق وکیل متهم تحت نظر، در ادارات پلیس شهرهای بزرگ همه وقت، یک یا چند وکیل موظف - یعنی مشاوران حقوقی خصوصی که با کمیسیون خدمات حقوقی قرارداد بسته‌اند تا در اداره پلیس حاضر بوده یا آماده فراخوانی باشند - حضور دارند (Ma, 1999: 161). این پیش‌بینی‌های قانونی امکان نقض حقوق متهم توسط پلیس و قضات دادسرا که مستقر در دوائر انتظامی هستند را به حداقل می‌رساند.

جبران خسارت ناشی از سلب آزادی متهمان و محکومان بی‌گناه یکی از جنبه‌های انسانی آیین دادرسی کیفری است. در این خصوص قانون‌گذار ایران قبل از وضع قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و قوانین عادی از جمله ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مقررات کلی وضع نمود (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۲۴). تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به موضوع جبران خسارت ناروا بر متهمان و محکومان بی‌گناه توجه اساسی نشد و از این رو، گرچه در نظام حقوقی ایران، به این موضوع تا حدودی اشاره شده است

اما فرایند عملی و نحوه خسارت‌زدایی از این قبیل افراد به نحو روشنی تبیین و تعیین نگردیده بود.

به‌هتقدیر، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای نخستین بار با رویکرد حقوق بشری و با الهام از موازین اسلامی و قوانین خارجی از جمله قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه «لزوم جبران خسارات ناروا بر متهمان و محکومان بی‌گناه در فرایند دادرسی کیفری» را پذیرفت. در حقوق فرانسه، در قالب مواد ۲۶۱-۲۵۵ در ذیل فصل هفتم؛ «قرارهای تأمین و نظارت قضایی» پیش‌بینی شده است. مواد ۱۶۳ و ۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز به نحو به جبران خسارات وارده بر محکوم علیه بی‌گناه اشاره نموده است. تبصره ماده ۵۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز برای اولین بار جبران خسارت محکومی که بیش از مدت حبس مقرر در حکم در زندان مانده است را پیش‌بینی نمود؛ یعنی مواردی که در عمل بارها رخ داده است که به علت عدم توجه قاضی اجرای احکام و رئیس زندان به تکالیف قانونی خویش، محکوم علیه پرونده کیفری بیش از مدت حبس مقرر در حکم محکومیت، متحمل زندان شده است.

از سوی دیگر، رسیدگی و صدور حکم به جبران خسارات و اجرای آرای کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت در آیین‌نامه مربوطه که توسط وزیر دادگستری تهیه و توسط رئیس قوه قضائیه تصویب شده، تعیین گردیده است. از مجموع مقررات و قوانین سابق و لاحق استنباط می‌شود که جبران خسارات وارده بر متهمان و محکومان بی‌گناه خواه ناشی از صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب از سوی مراجع قضایی باشد و خواه ناشی از اشتباه یا سهل‌انگاری و حتی سوءنیت مقام قضایی باشد، با اصول قانون اساسی و قوانین موضوعه منطبق است. لذا، با وضع قوانین لاحق، بستر جبران خسارت این دسته از افراد فراهم شده است. در مجموع می‌توان گفت مسأله جبران خسارات ناروا از متهمان و محکومان بی‌گناه امروزه یکی از موضوعات اصلی و هنجارین در قلمرو آیین دادرسی کیفری در جهت حمایت از حقوق فرد متهم و محکوم است و در قوانین بسیاری از کشورهای جهان و اسناد بین‌المللی بر این موضوع تصریح شده است.

از آنجا که قوانین کیفری ایران در این خصوص تقریباً اقتباسی از شیوه مقنن فرانسوی است، می‌توان از سیاست‌ها و سازوکارهای پیش‌بینی‌شده در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و نیز اسناد بین‌المللی از قبیل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در زمینه جبران خسارت وارده بر متهمان و محکومان بی‌گناه، برای طرح‌ریزی این سازوکار در نظام قضایی ایران استفاده کرد. (آشوری، ۱۳۹۳: ۵۰۸)

پس به هروی مسلم است که دولت مسئول جبران خسارات ناروا بر متهمان و محکومان بی‌گناه در فرایند دادرسی کیفری است و خسارات وارده بر این قبیل افراد ممکن است مادی و گاه معنوی و گاه ترکیبی از خسارات مادی و معنوی باشد (سیدفاطمی و حسینی، ۱۳۹۲: ۲۳۹). لذا، بررسی مبانی مطمئن برای این موضوع و یافتن سازوکارهای قانونی، قضایی و اجرایی درخور اهمیت و توجه بوده و جبران خسارات ناروا از متهمان و محکومان بی‌گناه امری ضروری، منطقی و بایسته از حیث موازین عدالت و انصاف و مقتضای اصول و قواعد حقوقی مرتبط است.

۳- بایسته‌های اصلاح نظام جبران خسارات ناشی از بازداشت بی‌گناهان در سیاست کیفری ایران

تعداد زیادی از متهمانی که در مرحله تحقیقات مقدماتی و یا حتی در مرحله دادرسی بازداشت شده‌اند، بی‌گناه شناخته شده و بعد از مدتی برائت حاصل نموده و آزاد شده‌اند. مسلماً برای متهمانی که گناهکار بوده و جرمشان اثبات شده است، چنین امتیاز و اعتباری (جبران خسارت) حاصل نخواهد شد. در بسیاری از کشورها- از جمله هلند که لاهه در آن همانا پایتخت قضایی جهان و خوشنام از حیث تحولات عدالت قضایی و از جمله عدالت کیفری جبرانی است (See: Crijns & Others, 2016) برای جبران خسارت افرادی که در بازداشت بوده و سپس به لحاظ بررسی‌ها و عدم کفایت دلیل، بزهکاری آنان اثبات نشده و از بند خلاصی یافته‌اند، راه‌حل‌های مناسبی در نظر گرفته شده و نحوه جبران خسارات مالی و معنوی آنان پیش‌بینی شده است (Staker & Ambos, 2015: 202). این کشورها - از مهم‌ترین آنها در این تحول، فرانسه - حتی در مورد متهمانی که با صدور قرار منع پیگرد بعد از مدتی بازداشت مرخص شده‌اند، به صرف صدور قرار منع پیگرد جبران خسارات را پذیرا شده‌اند (Domenech, 2015: 20). حق هم این است که وقتی چنین متهمانی تبرئه و محبوس بودن آنها ناحق تشخیص داده شده، باید مصالح و منافع آنان به عنوان اعضای جامعه که بر ایشان ستم رفته است، مورد نظر قرار گیرد و به طریقی جبران شود.

از این رو جامعه با این استدلال که این امر در رهگذر حفظ نظم عمومی و مصالح اجتماعی است، نباید در قبال آنان بی‌تفاوت بماند. اصل تساوی شهروندان در مقابل تکالیف عمومی ایجاب می‌کند خساراتی که بر اثر تصمیم قدرت عمومی به صورت استثنایی بر چنین افرادی وارد شده جبران شود. درخصوص متهمانی که بی‌گناه هستند و برائت حاصل کرده‌اند و متهمانی که گناهکار بوده اما به لحاظ پیچیدگی واقعه مجرمانه و یا فقد دلیل، قرار منع پیگرد درباره‌شان صادر

شده و هر دو مرخص و آزاد شده‌اند و نتیجه برای هر دو آن‌ها یکی است، این سؤال پیش می‌آید که آیا جامعه به هر دو با یک دید می‌نگرد؟ پاسخ منفی است؛ چه نسبت به متهم بی‌گناه سهواً محبوس، دید جداگانه و ذهنیت متفاوتی وجود دارد. وی مستحق جبران خسارت بوده و جبران خسارت در این قبیل موارد دال بر بی‌گناهی او دانسته شده است. این رویه در بعضی از کشورها از جمله فرانسه و آلمان پذیرفته شده است. (مقدسی و قلی‌زاده، ۱۳۹۷: ۸۵)

سلب آزادی پیشگیری‌محور برای تأمین امنیت عموم و پیشگیری از تکرار جرم احتمالی مجرمان خطرناک اعمال می‌شود. ماده ۴۸ مکرر سابق و ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، بارزترین مصادیق قانونی این رویکرد در حقوق کیفری ایران هستند. در واقع، می‌توان سلب آزادی پیشگیری‌محور را نوعی اقدام پیش‌دستانه برای حفظ امنیت عموم تلقی کرد. در این اقدام، حقوق کیفری با فاصله گرفتن از رویکرد سزادهی برای حفظ امنیت، رویکردی آینده‌نگر می‌یابد و بر مرحله پیش از ارتکاب جرم نیز اعمال می‌شود (نجفی ابرنآبادی و رضوانی، ۱۳۹۲: ۹). اما احتمال بازداشت ناروا نسبت به افراد بی‌گناه در این نوع پیشگیری بازداشت‌محور بسیار زیاد است.

در حقوق ایران قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، جبران خسارت ناشی از بازداشت در قوانین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده بود. تنها در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، حکم جبران خسارت مادی یا معنوی ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی مقرر شده بود. به هر حال، بر اساس تکلیف اصل ۱۷۱ قانون اساسی، انصاف و اصل لاضرر، ضمان و حق جبران خسارت، متهم بی‌گناه که بازداشت شده است، باید حق مراجعه به قاضی یا دولت را در خصوص جبران خسارت خود داشته باشد. بر اساس ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر می‌شود، می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون، خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.

بر اساس قاعده «لا ضرر» و اصل «ضمان» و نیز برابر قاعده انصاف و حق جبران خسارت متهم، محبوسی که به ناحق و بی‌گناه بازداشت شده حق دارد برای جبران خسارت وارد شده حسب مورد به متخلف و یا دولت مراجعه کند و خسارات ناشی از بی‌گناهی خود را مطالبه نماید. اگرچه شناسایی مسئولیت دولت نسبت به عملکرد دادگستری موجب تحمیل هزینه بر بودجه عمومی کشور می‌گردد با این همه، این امر می‌تواند تصمیم‌گیرندگان (از جمله قانونگذار و مدیران ارشد قوه قضاییه) را به تدریج به سمت توجه بیشتر به کیفیت و کارآمدی دادگستری از

طریق اصلاح سازمان قضایی و پیش‌بینی تشکیلات قضایی کارآمد، سازماندهی روش‌های متناسب و مؤثر شکایت از آراء، تمرکز بیشتر بر معیارهای علمی در فرایند استخدام و آموزش قضات، ضابطان دادگستری و کارمندان اداری مراجع قضایی، توجه بیشتر بر مستدل بودن آراء و اجرای دقیق سایر اصول و حقوق دادرسی در مراجع قضایی و نظارت مؤثر بر اجرای موارد مذکور توسط مراجع قضایی عالی هدایت نماید (شایگان و آشوری، ۱۳۹۷: ۷۵). افزایش بازداشت افراد بی‌گناه، بی‌تردید شکاف ملت و حاکمیت را می‌افزاید؛ سرمایه اجتماعی را می‌کاهد و احساس عدالت کیفری را تضعیف می‌کند.

۱-۳- اصلاح نظام استفاده از قرار موقوفی تعقیب برای درخواست جبران خسارات ایام بازداشت

از زمان تعقیب متهم به جرم تا زمان اجرای حکم از مراجع صالح جهت تحقیق و رسیدگی و اجرای حکم در امور کیفری معمولاً تصمیمات بی‌شماری صادر می‌شود. در حقوق ایران در حقیقت رأی در معنای دقیق کلمه در اصطلاح به تصمیمی اطلاق می‌شود که حکم یا قرار باشد. سپس باید معیاری ارائه داد که در آراء مراجع صالح به رسیدگی از حکم تمیز داد. اما آیا برای تمیز رأی از سایر تصمیمات محاکم، بهترین معیار همانا قانون است؟ بدین معنا که قانون هر جا لازم باشد عمل را در قالب رأی انجام داد آن را صریحاً مشخص کرده است. اما معیار تمیز حکم از قرار کدام است؟ ماده ۲۹۹ ق.آ.د.م این معیار را این‌چنین مقرر داشته است که «چنان چه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می‌شود».

کشورهای معدودی مانند آمریکا و انگلستان، نظام تخصصی را برای احراز و رسیدگی به ادعای گناهی محکومان پیش‌بینی کرده‌اند. علاوه بر آن، نقش نهادها و جنبش‌های مدنی در این ارتباط غیر قابل انکار است (مهرها و سبزواری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۸۲). اعاده دادرسی، یعنی برگزاری یک رسیدگی فوق‌العاده، سازوکاری است که نظام حقوقی ایران همانند بسیاری از کشورهای دیگر در این زمینه پیش‌بینی کرده است. با این وجود، امکان استفاده از این سازوکار با موانع قانونی شکلی مانند جهات محدود اعاده دادرسی و مرور زمان مواجه است و همه ادعاهای بی‌گناهی را در بر نمی‌گیرد (فرجیها و غلاملو، ۱۳۹۴: ۳۹). در نظام حقوقی ایران، حذف ناروای ساز و کار قانونی امکان اعلام اشتباه به وسیله قاضی صادرکننده رأی و سایر مقامات قضایی در سال ۱۳۸۱، بر کاستی‌ها افزوده است و این موجب بزه‌دیدگی ثانویه‌ی بازداشت‌شدگان بی‌گناه می‌گردد.

قرارهای نهایی حتماً باید پس از اخذ آخرین دفاع صادر شوند و حال آن که در مورد قرار موقوفی تعقیب، اخذ آخرین دفاع ضروری نیست. با این همه و به‌رغم این تفاوت‌ها باید گفت چنانچه فراغ بازپرس یا قاضی تحقیق را ملاک و ضابطه تفکیک قرارهای اعدادی از نهایی تلقی کنیم مجاز خواهیم بود قرار موقوفی تعقیب را جزء قرارهای نهایی تلقی کنیم. با وجود این تفاوت در معیار قرارهای نهایی از اعدادی، با عنایت به مجموع قوانین موجود می‌توان گفت در سیستم قضایی ایران قرار مذکور در زمره قرارهای نهایی محسوب می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۵۲)

از طرف دیگر، قرار موقوفی تعقیب یک قرار شکلی است؛ بدین معنا که دادرس بدون این که وارد ماهیت امر جزائی شود و این عمل ارتكابی توسط متهم جرم محسوب می‌شود یا خیر، به جبهتی از جهات قانونی تعقیب جزایی متهم را موقوف می‌کند. بنابراین قرار موقوفی تعقیب، از جمله قرارهای نهایی و شکلی است. حال، موضوع قابل تأمل این که، چنانچه در پرونده‌ای متهم ماه‌ها در بازداشت باشد و متعاقباً به استناد یکی از موارد ذکرشده در ماده ۱۳ ق.آ.د.ک «قرار موقوفی تعقیب» صادر شود، آیا خسارات ایام بازداشت چنین متهمی قابل جبران است؟

با عنایت به ماده ۲۵۵ ق. آ. د. ک و مجموع عقاید متخصصان حقوقی در این حوزه ملاحظه می‌گردد که قانونگذار صرفاً در دو حالت، خسارات ناشی از ایام بازداشت را قابل مطالبه می‌داند: (۱) صدور حکم برائت، (۲) صدور قرار منع تعقیب. چنانچه اتهام شخص، اعم از واحد یا متعدد، منجر به برائت شود موضوع جبران خسارت با مشکلی مواجه نمی‌شود اما چنانچه در فرض تعدد اتهامات، یک اتهام به برائت و اتهام دیگر به تعلیق اجرای مجازات یا قرار موقوفی تعقیب بینجامد به نظر می‌رسد چالش تشست اقوال در این فرض وجود دارد. همچنین اگر قاضی در راستای حفظ نظم دادگاه دستور بازداشت شخص را صادر کند و بعداً کاشف به عمل آید که بازداشت، غیرقانونی بوده آیا می‌توان این مورد را مشمول ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک قرار داد؟ ظاهر و صراحت مقید ماده مزبور این اجازه را نمی‌دهد اما عدالت و انصاف، خلاف آن را اقتضا دارد. به دیگر سخن، آیا در صورت صدور قرار موقوفی تعقیب به استناد مثلاً اعتبار امر مختومه یا شمول مرور زمان و ورود خسارت در ایام بازداشت، آیا متهم می‌تواند خسارت دریافت کند؟ پاسخ این سؤال بنا به ظاهر قانون، منفی است؛ اگرچه عدالت و انصاف خلاف آن را اقتضا دارد و باید قانون را اصلاح کرد. با این توضیح که، عبارات به‌کاررفته در ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک به صراحت حکایت از عدم امکان مطالبه خسارات ایام بازداشت در صورت صدور قرار موقوفی تعقیب داشته و دلیل آن، عدم

اظهار نظر ماهوی در مورد ارتکاب جرم یا عدم ارتکاب عمل مجرمانه توسط متهم بیان شده است. (خالقی، ۱۳۸۶: ۲۳۹)

از سوی دیگر، قانون آیین دادرسی کیفری حاضر در موضوع جبران خسارات متهمان و محکومان ناروا، از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه الهام گرفته و در این خصوص نیز بایستی مثل سایر موارد، دیدگاه قانونگذار فرانسوی را پرس و جو نمود. قانونگذار فرانسوی در ذیل ماده ۱۴۹ و نیز مواد ۱-۱۴۹ و ۲-۱۴۹ قانون مذکور عبارت «تصمیم منع تعقیب، آزادی یا برائت» را به کار برده است. بنابراین، در ظاهر امر، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز صرفاً در دو حالت قرار منع تعقیب و حکم برائت جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت را مجاز می‌داند. (مقدسی و قلی‌زاده، ۱۳۹۶: ۹۹)

با این وجود، نگارنده معتقد است که در برخی شقوق منجر به صدور قرار موقوفی تعقیب ضروری است که در کنار قرار منع تعقیب و حکم برائت، قرار موقوفی تعقیب را نیز اضافه نمود و ادعان داشت که چنانچه پرونده متهم به جهت صدور قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب یا حکم برائت مختومه شود، جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت امکان‌پذیر به نظر می‌رسد و البته باید بین مصادیق مختلف قرار موقوفی تعقیب ذکر شده در ماده ۱۳ ق.آ.د.ک قائل به تفکیک بود؛ چرا که ماده ۱۳ قانون مذکور، هفت مورد را به عنوان مصادیق انحصاری صدور قرار موقوفی تعقیب ذکر کرده است و آن عبارتند از: فوت متهم یا محکوم‌علیه، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت، عفو، نسخ، مرور زمان، توبه، اعتبار امر مختوم. به نظر می‌رسد در مواردی همچون گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت، فوت متهم یا محکوم‌علیه، عفو و توبه که منتهی به صدور قرار موقوفی تعقیب می‌شود، موضوع جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت منتفی است.

بر عکس، در مصادیقی عینی چون نسخ مجازات قانونی، مرور زمان و اعتبار امر مختوم می‌توان با صدور قرار موقوفی تعقیب، بحث جبران خسارات ایام بازداشت را مطرح و در این خصوص قانون آیین دادرسی کیفری را نیز اصلاح نمود. زیرا موارد شخصی امور حادثی هستند که در جریان رسیدگی رخ می‌دهند و نمی‌توان حدوث متعاقب یک امر را برای جبران خسارت بازداشت پیشین لحاظ نمود. اما امور عینی مواردی هستند که در زمان تصمیم وجود دارند و بدین لحاظ می‌تواند برای جبران خسارت مورد استناد قرار گیرد. تنها مرور زمان در این خصوص مورد بحث است که به نظر می‌رسد در صورت مرور زمان شکایت (و نه تعقیب و دادرسی که امور حادث هستند) می‌تواند برای جبران خسارت مورد استناد قرار گیرند. واضح است که در حالت

اخیر (صدور قرار موقوفی تعقیب) نیز چنانچه بازداشت شخص، ناشی از خودداری وی در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خویش باشد^۱، به استناد بند «الف» ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک چنین شخصی استحقاق مطالبه خسارات ناشی از ایام بازداشت را نخواهد داشت. درخور ذکر است تبصره اصلاحی منضم به ماده ۱۴۵ ق.آ.د.ک (۹۴/۳/۲۴) در کنار قرار منع تعقیب و حکم برائت، به قرار موقوفی تعقیب نیز اشاره نموده است.

۲-۳- ابلاغ کتبی حق شکایت بخاطر بازداشت ناموجه در اوراق قضایی

با توجه به اهمیت موضوع جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت می‌توان در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نمود که به محض صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب، در مقام ابلاغ رأی صادره، به وجود چنین حقی (حق مطالبه خسارات ایام بازداشت ناموجه) برای افراد در احضاریه ارسالی اشاره و متذکر شد. به عبارت دیگر، با اصلاح قانون در مقام ابلاغ رأی صادره مذکور، حق درخواست و مطالبه خسارات ناشی از ایام بازداشت را به زیان‌دیده اطلاع‌رسانی و ابلاغ نمود؛ همچنان که قانونگذار در ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک «حق برخورداری متهم از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی» را به اندازه‌ای دارای اهمیت دانسته است که ضرورت دارد مقامات دادسرا اعم از بازپرس یا دادیار در برگ احضاریه ارسالی به این حق اشاره نمایند. نتیجه این که، در راستای فرض برائت و حفظ حقوق و آزادی‌های متهم، شایسته است که موضوع جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت در رأی صادره اشاره شود؛ یا این که حداقل در احضاریه ارسالی جهت ابلاغ رأی صادره، به این حق اشاره و اطلاع‌رسانی شود.

ناگفته نماند قانونگذار ایرانی بمانند مقنن فرانسوی - و ای بسا ملهم از آن - و در پرتو آموزه‌های فقه اسلامی، در ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک مواردی را ذکر کرده است که شخص بازداشت‌شده مستحق جبران خسارت نیست (شاملو و مرادی، ۱۳۹۳: ۲۲۱). موارد ذکرشده در ماده مذکور بر مبنا و اصول معین و اهداف دقیقی وفق مصالح شرع انور اسلام استوار شده است. در فقه اسلامی، قواعد «اقدام» و «تسبیب» مبنای عدم استحقاق جبران خسارت چنین بازداشت‌شدگانی را توجیه می‌کند. دیگر این که، قسمت ابتدایی ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد: «شخص بازداشت‌شده باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی‌گناهی خود، درخواست جبران خسارت را به کمیسیون استانی، متشکل از سه نفر قضات دادگاه تجدیدنظر

^۱ برای مثال، در فرضی که متهم، به موضوع اعتبار امر مختوم و رسیدگی قبلی به پرونده اشاره و استناد نکند.

استان به انتخاب رئیس قوه قضائیه تقدیم کند. آن چه حائز اهمیت است این که تعیین مهلت شش ماهه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی برای درخواست جبران خسارت موضوع ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک گرچه به تأسی از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه تنظیم شده است اما توصیه می‌شود این مهلت به مهلت یک سال که مهلت معقولی به شمار می‌رود، افزایش یابد تا تنگی وقت و اطاله دادرسی و فرصت مناسب جهت مشاوره با وکلای دادگستری حق فرد بازداشت‌شده را تضييع نکند.

نتیجه

با توجه به زیان‌های پرشمار بازداشت موقت - امروزه گرایش به محدود کردن هر چه بیشتر موارد صدور قرار بازداشت موقت است و شرایطی ماهوی و شکلی برای این امر در نظر گرفته می‌شود که صدور آن به کمترین اندازه برسد و به تعبیری در سطح بین‌المللی نیز از بازداشت موقت به عنوان اقدامی بد اما گاه ضروری یاد می‌شود و در عین حال چنانچه برای فردی قرار بازداشت صادر شد حقوق او به نحو کاملی تضمین شود؛ به گونه‌ای که شخص متهم به تنهایی از آزادی رفت و آمد محروم شود و به سایر حقوق او لطمه‌ای وارد نشود.

کمیسیون‌های استانی و کمیسیون ملی جبران خسارات، نهاد جدیدی در حقوق داخلی است که عهده‌دار جبران خسارات ایام بازداشت ناروا هستند. کمیسیون جبران خسارات در قانون آیین دادرسی قبلی پیش‌بینی نشده بود و از ویژگی‌های قانون مصوب ۱۳۹۲، تأسیس این کمیسیون است که طی آن به اعتراض و درخواست افرادی که در مراحل تحقیقات مقدماتی و دادرسی بازداشت شده و سپس برای آنها قرار منع تعقیب و یا براءة حاصل شده است، رسیدگی می‌شود. وظیفه این کمیسیون‌ها، دریافت و بررسی درخواست‌ها و تعیین میزان استحقاق چنین بازداشت‌شدگانی به دریافت غرامت بابت جبران خساراتی است که در جریان تحقیقات مقدماتی یا دادرسی بر آنها تحمیل شده است. لذا، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار به افرادی که بناحق آزادی‌شان تضييع شده، اجازه مطالبه خسارت داده است.

پیش‌بینی جبران خسارات برای متهمان و محکومان بی‌گناه، نوعی تعهد نظارت را برای مقام قضایی نسبت به تناسب و توازن در صدور قرار تأمین کیفری ایجاد می‌کند. به همین جهت گفته می‌شود چون یکی از وظایف مهم مقام قضایی، صدور قرار تأمین کیفری متناسب است و از آن سو اخذ تأمین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است، بنابراین در عمل شاهد کاهش صدور قرار بازداشت موقت و در نتیجه کاهش سلب آزادی از اشخاص بی‌گناه

هستیم. البته در عمل در برخی از دادرها نحوه ارجاع شکوائیه به مراجع انتظامی و دادرها و شروع به تحقیقات مقدماتی به گونه‌ای است که متهم در بیشتر مواقع بی‌تأمین می‌ماند و این اقدام دادرها تبعات منفی زیادی حتی برای خود دادیاران و بازپرسان و دادستان‌ها از حیث شمول ماده ۵۷۵ و ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی (جرم توقیف غیرقانونی) دارد و متهمان به جرائم دارای کیفر بسیار سنگین هم در چنین وضعی عموماً متواری می‌شوند. (تقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۱۳)

نگارنده معتقد است که بایستی در کنار قرار منع تعقیب و حکم برائت، قرار موقوفی تعقیب را نیز اضافه نمود و اذعان داشت که چنانچه پرونده متهم به جهت صدور قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب یا حکم برائت مختومه شود، جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت امکان‌پذیر بوده و البته باید بین مصادیق مختلف قرار موقوفی تعقیب ذکر شده در ماده ۱۳ ق.آ.د.ک قائل به تفکیک بود. در مصادیقی چون گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت، فوت متهم یا محکوم‌علیه، عفو و توبه که منتهی به صدور قرار موقوفی تعقیب می‌شود، موضوع جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت منتفی است. بر عکس، در مصادیقی عینی چون نسخ مجازات قانونی، مرور زمان و اعتبار امر مختوم، تبصره اصلاحی منضم به ماده ۱۴۵ ق.آ.د.ک (۹۴/۳/۲۴) با پیش‌بینی صدور قرار موقوفی تعقیب، بحث جبران خسارات ایام بازداشت را ممکن ساخته است. واضح است که در حالت اخیر (صدور قرار موقوفی تعقیب) نیز چنانچه بازداشت شخص، ناشی از خودداری وی در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خویش باشد، به استناد بند «الف» ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک چنین شخصی استحقاق مطالبه خسارات ناشی از ایام بازداشت را نخواهد داشت.

قانونگذار در اکثر موارد در خصوص ضمانت اجرای عدم رعایت برخی حقوق دفاعی متهم از جمله حق سکوت، تفهیم اتهام، حق برخورداری از وکیل و نیز حق آگاه‌سازی خانواده و معاینه توسط پزشک، ساکت است. پیش‌بینی ضمانت اجرایی همچون بطلان دلایلی که با نقض مهم‌ترین این حقوق دفاعی از جمله حق سکوت و حق وکیل، تحصیل شده‌اند در کنار مضمول تخلف انتظامی قرار دادن چنین رفتارهایی گامی اساسی در راستای تضمین این حقوق دفاعی تلقی خواهد شد.

حصری‌بودن مصادیق تعیین شده در قانون موجب عدم امکان توسعه موضوع و قیاس به موارد مشابه می‌گردد و اجازه توسعه دامنه جبران خسارات این قبیل افراد را به دست نمی‌دهد. تنها عموماً و اطلاعات لاضرر و لاجرح و اصول عام حقوق بشر را می‌توان مستمسک بازداشت‌شدگان نورا در مواردی فراتر از مصادیق مصرح محدود مندرج در قانون دانست و این کافی برای احقاق حق ایشان نیست. از دیگر سو، کمیسیون‌های ملی و استانی جبران خسارت

قضایی، با وجود بهره‌مندی از پشتوانه نظری احکام ضمان حاکم اسلامی و آموزه‌های عدالت ترمیمی، همچنان با تداوم غلبه سزاگرایی بر خرده‌گفتمان قضایی «عدالت جبرانی» و برخی نارسایی‌های قانونی و ساختاری مذکور در مقاله مواجه‌اند و از این رو توفیق چندانی در سوق دادن آموزه‌های فقهی و جرم‌شناختی پیش‌گفته، به دستاورد عینی قوه قضائیه نداشته‌اند. ای بسا مقیدشدن بند «پ» ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک - که اکنون مطلق و مبهم است - یکی از گریزگاه عدم جبران خسارات بازداشت‌شدگان و محبوسان ناورا را ببندد.

منابع

- ۱- آشوری، محمد (۱۳۹۳)، حقوق کیفری شورای اروپا، تهران: خرسندی، چاپ اول.
- ۲- تقی‌زاده، محرم (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی قرار بازداشت موقت در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه کارآگاه، شماره ۳۹.
- ۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۶)، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ هشتم.
- ۴- حبیبیا، سعید و علیرضا صالحی‌فر (۱۳۹۲)، رویکردهای جبران خسارت ناشی از خطاهای مدنی مرگ‌آفرین؛ مطالعه تطبیقی در حقوق مسئولیت مدنی ایران و ایالات متحده آمریکا، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۱.
- ۵- حیدری، الهام (۱۳۹۵)، حقوق دفاعی متهم در «دوران تحت نظر» در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۱.
- ۶- خالقی، علی (۱۳۸۶)، قراردادسازی آیین دادرسی کیفری، علوم جنایی، شماره ۲.
- ۷- خالقی، علی (۱۳۹۳)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران: شهر دانش، چاپ دوم.
- ۸- شادمان، سیامک (۱۳۹۵)، مسئولیت مدنی ناشی از بازداشت غیرقانونی، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، سال دوم، شماره ۳.
- ۹- شاملو، باقر و مجید مرادی (۱۳۹۳)، خسارت‌زدایی از مظنونان، متهمان و محکومان بی‌گناه؛ جایگاه حقوقی و فرایند عملی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۸.
- ۱۰- شایگان، اسماعیل و محمد آشوری (۱۳۹۷)، نظام حقوقی جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی‌گناه؛ پژوهشی در حقوق ایران و حقوق تطبیقی، شماره ۲۳.
- ۱۱- صادقی‌زیازی، حاتم و مهران ابراهیمی‌منش (۱۳۹۳)، حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران؛ با نگاهی به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱.

۱۲- صفری، سجاد و حسین مهرپور (۱۳۹۷)، روح قانون در حقوق ایران، مجله حقوق دادگستری، شماره ۱۰۳.

۱۳- طه، فریده و لیلا اشرافی (۱۳۸۶)، دادرسی عادلانه، تهران: میزان.

۱۴- طهماسبی، جواد و امین گلریز (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی بازداشت موقت در مقررات و رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی با اسناد حقوق بشر و حقوق داخلی، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۴.

۱۵- فتحی، حجت‌الله (۱۳۹۳)، شرح مسیوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: حدود، قه، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، چاپ اول، جلد اول.

۱۶- فتحی، محمدجواد و هادی دادیار (۱۳۹۲)، جایگاه دادستان در سیاست جنایی نوین و الزامات دادرسی عادلانه، شماره ۷.

۱۷- فرجیها، محمد و جمشید غلاملو (۱۳۹۴)، سازوکارهای رسیدگی به ادعای بی‌گناهی محکومان: مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران، آمریکا و انگلستان، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۱.

۱۸- قاری سیدفاطمی، سید محمد و سیده لطیفه حسینی (۱۳۹۲)، جبران خسارت در نظام‌های منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر: ارزیابی رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۲.

۱۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، فلسفه حقوق، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۰- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ چهاردهم.

۲۱- مقدسی، محمدباقر و ابراهیم رضاقلی‌زاده (۱۳۹۷)، جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه در نظام عدالت کیفری ایران و فرانسه، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۳.

۲۲- مهرا، نسرين و حجت سبزواری‌نژاد (۱۳۹۰)، ابعاد جبران خسارت قربانی جرم در حقوق کیفری انگلستان، تحقیقات حقوقی، دوره ۱۴، شماره ۱۰۷.

۲۳- مهرپور، حسین (۱۳۸۵)، کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق عمومی، شماره ۱.

۲۴- مهرپور، حسین و همکاران (۱۳۸۰)، اجرای حقوقی اخلاق، نامه مدرس (فصلنامه علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس)، دوره ۵، شماره ۴.

۲۵- نجفی ابرنآبادی، محمد علی و سودابه رضوانی (۱۳۹۲)، سلب آزادی پیشیگرانه‌محور با تأکید بر ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۴.

- ۲۶- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۹)، سرعت‌بخشی به فرایند کیفری؛ سازوکاری برای پیشگیری از بزهکاری، پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۸.
- ۲۷- نیک فرجام، زهره (۱۳۹۲)، جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۱۱.
- ۲۸- هاشمی، محمد (۱۳۸۲)، حمایت‌ها و تضمینات حقوق بشر در حقوق داخلی و نظام بین‌المللی، تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸.
- ۲۹- یوسفیان شوره‌دلی، بهنام و لیلا رسولی آستانی (۱۳۹۲)، نگرش تطبیقی به جبران خسارت واردشده بر محکوم بی‌گناه؛ از نظر تا واقعیت، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲.
- 30- Crijns, J., Leeuw, B. & Wermink, H. (2016), "Pre-trial detention in the Netherlands: Legal principles versus practical reality: Research report", Universiteit Leiden, Available at: <https://www.fairtrials.org/wpcontent/uploads/j.h.-crijns2c-b.j.g.-leeuw-h.t.-wermink-pre-trialdetention-in-the-netherlands.-legal-principles-versus-practicalreality.pdf>
- 31- Domenech, G. & Puchades, M. (2015), "Compensating acquitted pretrial detainees", International Review of Law and Economics, Vol.43.
- 32- Ma, Y., (1999), Comparative Analysis of Exclusionary Rules in the United States, England, France, Germany and Italy, an International Journal of Police Strategies & Management, Vol. 22, No. 3.
- 33- Staker, C. & Nerlich, V. (2015), Compensation to an arrested or convicted person, in Triffterer, O. & Ambos, K., The Rome statute of the international criminal court: A Commentary, Oxford: Hart Publishing.